

ماجرای یک قتل ناموسی و باقی قضایا

نوشته: مصطفی عباسی (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بازپرس ویژه قتل، مدرس دانشگاه)

کشف جسد و صحنه قتل:

ماجرای اینجنا آغاز شد که چند روز پیش به محض مراجعت از اداره به منزل تلفن همراهم زنگ خورد، تماس گیرنده رئیس یکی از واحدهای پلیس اطلاعات و امنیت نیروی انتظامی بود، خبر از کشف جسد زنی در منزلی واقع در یکی از شهرکهای شهر - که مدعی بود به طرز مشکوکی فوت نموده - را داد. دستور حفظ صحنه را تا حضور خود در محل، به صورت تلفنی صادر کردم، با مامورین به محل حادثه رفتم با حضور در محل ملاحظه شد که مامورین اطلاعات و امنیت به خوبی محل را حفظ کرده اند. محل حادثه ساختمان ویلایی با متراژ تقریبی 50 مترمربع واقع در یکی از شهرکهای فقیرنشین شهر بود. در قسمت هال منزل و در کف اتاق جسد زنی حدوداً 30 ساله که به پشت افتاده بود دیده شد که بدنش کاملاً سرد نشده بود و جمود نعشی تا آن لحظه شکل نگرفته بود مشخص بود که از زمان فوت زمان زیادی سپری نشده است، زبان متوفی از دهانش خارج شده و چشمانش باز بود و ملبس به لباس بیرون از منزل بود روسری شالی دور گردن متوفی پیچیده و گره زده شده بود در کنار جسد دفتری دیده شد که در صفحه باز شده آن چند سطر با این مضامین که با اختیار و سلامت روحی و روانی اقدام به خودکشی نمودم و کسی از این بابت مقصر نیست نگاشته شده بود که در پایان نوشته امضاء و اثر انگشتی در کنار نام متوفی قرار گرفته بود. در کنار جسد مهر و جانمازی به صورت آماده و باز شده قرار داشت، کیف متوفی در کنار جسد و در حال بود که محتوی یک جلد قرآن کوچک، یک تکه پارچه سبز و خودکار بود. روسری را از دور گردن متوفی باز کردیم آثار متعدد جراحت در اطراف گردن بخصوص زیر گردن کاملاً مشخص و نمایان بود. مقدار غذای آماده شده توسط اهالی منزل برای ظهر، تعداد ظروف استکان چای، زیر سیگاری و فیلترهای سیگار و ... همگی حکایت از حضور افراد متعددی در لحظات منتهی به حادثه در منزل داشت.

با تحقیق از حاضرین در محل مشخص گردید که منزل محل حادثه متعلق به خواهر متوفی است و محل سکونت فعلی متوفی در تهران قرار دارد و متوفی متاهل بوده، پسری 11 ساله داشته و شوهرش کارگر است و به مواد مخدر اعتیاد دارد. خواهر متوفی (صاحب منزل) مدعی عدم حضور در منزل در زمان حادثه بود و سایر بستگان نیز یا مدعی خودکشی بودند یا اظهار بی اطلاعی می کردند. اما نحوه استقرار جسد، جراحات ناحیه گردن، وضعیت محل حادثه و.. همگی گویای آن بود که جنایتی رخ داده است و صحنه سازی های قاتل یا قاتلین نتوانست ما را در پذیرش فرضیه خودکشی قانع کند.

نیم ساعت بعد از بررسی صحنه، مامورین اطلاعات و امنیت فیلم مستهجن کوتاهی را برایم پخش کردند و اعلام نمودند که این فیلم مدت یک ماه است که به صورت گسترده در سطح شهر از طریق تلفن همراه پخش شده است. در فیلم موردنظر از دو زن که یکی از آنها متوفی (مقتول) بوده به صورت کاملاً لخت و عریان با دوربین تلفن همراه توسط افرادی که هویت آنها در فیلم مشخص نیست فیلمبرداری شده است. با دیدن فیلم و با توجه به واقعیات صحنه جنایت بلافاصله فرضیه ناموسی بودن قتل در ذهنم قوت گرفت و سریعاً دستور دستگیری شوهر، برادران، خواهر و شوهر خواهر متوفی (مقتول) را دادم، پس از دستگیری ایشان البته بجز شوهر خواهر متوفی که متواری گردید و انجام بازجویی های مجزا و فشرده عاقبت به لطف خدا با اقرار متهمان بازداشتی ماجرا و حقیقت قتل مشخص شد.

چگونگی ارتکاب قتل و انگیزه مرتکبان:

با تحقیقات انجام شده و اقرار متهمان مشخص گردید: متوفی - که زنی 30 ساله بوده و دارای پسری 11 ساله و شوهری کارگر و معتاد به مواد مخدر بوده است - حدود 2 سال قبل از قتل از طریق دوست خود (زن دوم در فیلم مستهجن) با مردی غریبه آشنا می شود و مدتی با او ارتباط دارد تا اینکه یک روز به اتفاق دوست خود (زن دوم در فیلم) و دو مردی که بصورت نامشروع با آنها ارتباط دارند تصمیم می گیرند برای تفریح به بیرون شهر بروند به همین خاطر با خودرو به دامنه کوههای اطراف شهر رفته و محل خلوتی را انتخاب می کنند و چادر مسافرتی را مستقر می نمایند در این حین 4 نفر جوان که در آن اطراف بوده و متوجه حضور ایشان می شوند به سراغ آنها رفته دست و پای دو مرد را بسته و متوفی و دوستش را مجبور به لخت شدن کرده و از آنها به صورت کاملاً لخت و عریان بوسیله تلفن همراه فیلمبرداری می کنند. از این ماجرا حدود 2 سال می گذرد تا اینکه یک ماه قبل از ارتکاب قتل این فیلم به صورت گسترده در سطح شهر پخش می شود و متوفی و بستگان وی از وجود و تکثیر فیلم مطلع می شوند، متوفی (مقتول) حسب اظهارات شوهرش از گناهان و اشتباهات گذشته خود توبه کرده و شوهرش نیز با توجه به اینکه از ایشان فرزند دارد از خطا و گناه وی چشم پوشی می کند و برای دورشدن از سرزنش مردم و بستگان به همراه فرزند خود راهی تهران می شوند و در آنجا به صورت ناشناس به زندگی ادامه می دهند.

برادران زن (مقتول) علیه فیلمبرداری کنندگان و رفقای پسر به دادسرا شکایت می کنند و پرونده در اختیار پلیس اطلاعات و امنیت قرار می گیرد تا اینکه برادران و بستگان نزدیک متوفی متاثر از سرزنش های مردم و اطرافیان تصمیم به از بین بردن متوفی می گیرند به این خاطر در شب قتل پس از شناسایی محل سکونت متوفی به تهران رفته و با خودرو او را به شهرستان منتقل می کنند در بین راه و قبل از

قتل به اصرار از وی می خواهند خودکشی کند و متوفی اظهار داشته: که قبلاً معصیت کرده و توبه کرده است و حاضر به انجام معصیت دیگر (خودکشی) نیست و به انجام خودکشی رضایت نمی دهد تا اینکه پس از انتقال وی به منزل خواهرش و پس از اخذ دست نوشته ای از وی مبنی بر انجام خودکشی یکی از برادران متوفی دست و پای او را گرفته و شوهر خواهر متوفی او را خفه می کند. در اظهارات متهمان آمده بود با توجه به اینکه موقع اذان ظهر به منزل خواهر متوفی (محل جنایت) رسیدند تنها تقاضای متوفی قبل از مرگ تقاضای خواندن نماز بود که متأسفانه علی رغم گرفتن وضو اجازه نمازخواندن به وی داده نشد..

چند پرسش:

قتل کشف شد و قاتل و همدستان وی شناسایی و دستگیر شدند و انگیزه قتل هم مشخص شد اما سوالی که ذهن مرا تا ساعت ها به خود مشغول کرد این بود که برآستی زمینه سازان واقعی این جنایت چه کسی یا کسانی بودند:

۱- آیا باید ریشه این وقایع و قتل را از شوهر بدانیم که در اثر گرفتار شدن در دام اعتیاد کنترل زندگی و خانواده را از دست داده و بدون آنکه بتواند نیازهای عاطفی و جنسی زن خود را برآورده کند زمینه گرایش زن به مرد اجنبی و حوادث بعدی را فراهم کرده است؟

۲- یا مقصر را باید دوست ناباب متوفی بدانیم که باعث آشنایی متوفی با مرد غریبه شده که حوادث بعد و قتل به دنبال آن شکل گرفته است؟ مردانی که به قصد هوسرانی با آن مرحوم ارتباط نامشروع داشته اند چه میزان در ایجاد زمینه برای قتل نقش داشته اند؟

۳- جوانانی که با هر قصد و نیتی اقدام به فیلمبرداری و تکثیر آن نموده اند چه نقش و سهمی در بوجود آوردن این حوادث و نهایتاً قتل و جنایت داشته اند؟

۴- فرهنگ، اعتقادات و رفتار مردم (انتشار فیلم با هر انگیزه ای و سرزنش های آنها به جای حفظ ابروی مسلمانی که چه بسا خدا توبه ی او را پذیرفته باشد) در این میان به چه اندازه در وقوع این حوادث از جمله قتل موثر بوده است؟

۵- خود متوفی (مقتول) یا به اصطلاح حقوقدانان "بزه دیده" که در مقاطعی اسیر هوای نفسانی خود بوده به چه میزان در این میان مقصر است؟ و....

منبع : <http://mostafaabasi.blogfa.com/post-12.aspx>